

پرسه شبانه در میان معترضان و پلیس

گروه سیاسی | «رویارویی روایتها»؛ ترکیببند مناسبی است که برای تحلیل بخشی از رخدادهاي روزهاي اخير مي‌توان از آن بهره برد. روایت‌هايي متفاوت و متناقضي که از جانب کنشگران دو سوي معادله مطرح و هر کدام تلاش مي‌کنند اين روایت‌ها را به عنوان واقعیت محض در ناخودآگاه جمعي جامعه ثبت و ضبط کنند. از يك طرف برخي افراد و جريانات با انتشار برخي برخوردهاي خشن پلیس و لباس شخصي‌ها و... به دنبال رسوب اين طرز فکر در فضاي عمومي هستند که سياستگذاران حاضر به شنیدن صدای اعتراض مردم نیستند و از سوي ديگر نیز نهادهاي رسمي و دولتي و رسانه‌هاي همسوي قرار دارند که با اشاره به برخي رفتارهاي خشن در میان مردم اعلام مي‌کنند که نمی‌توانند نسبت به اين تحركات بي‌تفاوت باشند. تصاويري که اين روزها در صدا و سيما، خبرگزارى فارس و تسنيم و بسياري ديگر از رسانه‌هاي اصولگرا در خصوص آتش زدن بانك‌ها، اتوبوس‌ها، آمبولانس و... منتشر ميشود در تلاش براي القاي چنین طرز تفکري است.

اين روایت‌ها اما گاهي فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند و انگار از دو جهان موازي و توسط نسلهاي مختلف تعريف ميشوند. در يك بخش از اين معادله، مردم، جوانان و معترضان رخدادهاي اخير به خصوص منتقدان برخوردهاي گشت ارشاد قرار گرفته‌اند که خواستار تغيير، تحول و تغيير وضع موجود و بازخواني دوباره مطالباتشان توسط سياستگذاران هستند. در نقطه مقابل نیز طيفها و جريانات نزديک به حاکميت قرار گرفته‌اند که خواستار تداوم وضع موجود هستند و منتقدان وضع موجود را با صفت خشن معرفي مي‌کنند. رویارویی اين دو طرز تفکر طی يك هفته گذشته در بسياري از استان‌هاي کشور جريان داشته و بر اساس برخي آمارها باعث کشته شدن تعدادي از ايرانيان و دستگيري صدها تن ديگر شده است. اما به نظر ميرسد، روایت ميانه‌اي نیز وجود داشته باشد که دو طرف چندان اعتنايي به آن ندارند. طبيعي است که در هر جريان اعتراضی ممکن است برخي افراد و جريانات به دنبال سوءاستفاده باشند، اما اطلاق اغتشاشگر به مجموعه افراي که به دنبال استيفاي مطالبات خود هستند، فايده‌اي جز افزودن بر مشکلات نخواهد داشت. از سوي ديگر نیز هر دو طرف بايد قبول کنند که ارتكاب رفتارهاي خشن و تند با هر عنوان و دليلي، نه نسبي با

«دفاع از ارزشها» دارد و نه ارتباطی با تحقق «آزادی»های بیشتر
ذیل قانون اساسی کشور میتواند پیدا کند.

در مسیر یافتن حقیقت

اما خبرنگار «اعتماد» با حضور میدانی در صحنه تجمعات مردمی به دنبال آرایه تصویری بیطرفانه، شفاف و واقعی از زیر پوست رخدادهاي اخیر در روزهای پایانی هفته گذشته است. از عصر روزهای پنجشنبه و جمعه هفته گذشته نیز بسیاری از معترضان و جوانان با حضور در خیابانهای مرکزی و جنوب و شرق و غرب و شمال تلاش میکردند تا به صورت مسالمت‌آمیز مطالبات خود را به گوش متولیان امر برسانند. در این میان هر اندازه معترضان در خیابان‌هایی همچون نازی‌آباد، ستارخان، میدان و چهارراه ولیعصر، محله تهرانپارس، خیابان فاطمی، چهارراه پارک‌وی، میدان تجریش و تقاطع زعفرانیه و ولیعصر شعارهایی در مخالفت با رفتارهای تند پلیس، نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها سر میدادند، رفتارهای مقابله‌ای نیروهای دولتی هم تندتر و خشن‌تر میشد. در شرایطی که بسیاری از مردم معترض تلاش میکردند از طریق روش‌های مدنی و غیر خشونت‌آمیز مطالبات خود را پیگیری کنند، اما به نظر میرسد، جریانی در کشور وجود دارد که در بزنگاه‌ها به دنبال افزایش رفتارهای رادیکال در چنین تجمعاتی است. رفتارهایی که نه تنها کمکی به تحقق مطالبات مردم نمیکند، بلکه این فضا را در اختیار پلیس قرار میدهد که با برخوردهای تند، مردم را به عقب براند. پیدا کردن این جریانات فرصت‌طلب و سوءاستفاده‌چی در چنین تجمعاتی برای نیروهای انتظامی و اطلاعاتی کشور نباید کار سختی باشد. خبرنگار «اعتماد» در جریان گفت‌وگو با یکی از جوانان دهه هشتادی حاضر در تجمعات تلاش میکند درباره بروز برخی رفتارهای خشن در تجمعات گفت‌وگو کند. میترا 19 ساله که دانشجوی سال دوم مهندسی صنایع دانشگاه شریف است در پاسخ به این پرسش که آیا موافق رفتارهای خشن در پیگیری مطالبات مدنی است به «اعتماد» می‌گوید: «من همراه با دوستان و همکلاسی‌هایم از ابتدای رخداد در تجمعات اعتراضی حاضر بودم. مطمئن باشید که مردم از خشونت بیزارند و رفتارهای خشن از سوی مطالبه‌کنندگان واقعی نیست. اصلاً مگر میشود که برای نفي خشونت از رفتارهای خشن استفاده کرد. ما به خیابان آمده‌ایم که جلوی رفتار خشن را سد کنیم، چطور ممکن است با خشونت بشود خشونت را کنار زد.» او در ادامه گفت: «پلیس و نیروهای اطلاعاتی به راحتی میتوانند مسببان رفتارهای خشن مثل آتش زدن آمبولانس، بانک و... را شناسایی کرده و از صفوف معترضان واقعی جدا کند. بدون شك این افراد ربطی به مردم ندارند. هر زمان که جوانان به پیگیری مطالبات خود نزدیک‌تر میشوند، این رفتارهای خشونت‌آمیز

مانند مانعی فرصت را در اختیار خشونت‌طلبان قرار می‌دهد که اصل مطالبات و اعتراضات مدنی را به انحراف بکشانند.» از میترا جدا می‌شوم و خود را به مناطق جنوبی‌تر شهر می‌رسانم. طبق مشاهده «اعتماد» از تقاطع خیابان آزادی - نواب، علاوه بر تعداد بیشمار ماموران ضربت که مجهز به باتوم، سلاح گرم و سپر بودند اضافه می‌شد، در برخی مناطق پلیس از معترضان می‌خواهد که از ارتکاب رفتارهای غیرقانونی پرهیز کنند و به خانه‌های خود بازگردند. یکی از نیروهای انتظامی که در میان جمعیت تلاش می‌کند مردم را به آرامش دعوت کند، سروان نیروی انتظامی است که بعد از اصرار دامن‌دار من برای گفت‌وگو چند کلام درباره نحوه تجمعات اخیر صحبت می‌کند. او در پاسخ به این پرسش که چه اتفاقی رخ می‌دهد که یک تجمع آرام مردمی برای پیگیری مطالبات، بدل به یک صحنه رفتارهای خشن می‌شود؟ می‌گوید: «به هر حال برای پلیس خطوط قرمزی وجود دارد که تخطی از آنها منجر به برخورد می‌شود. شما این روزها صحنه‌هایی را دیده‌اید که در آن پلیس در میان جماعت کتک می‌خورد. یا بانوی قمی که چادر از سرش برداشته شد و سرباز مشه‌دی که سوزانده شد. طبیعی است در برابر این نوع رفتارهای خشن، پلیس باید برخوردهای مقابله‌ای داشته باشد.» این سروان نیروی انتظامی در ادامه در این خصوص که آیا فکر نمی‌کنید، این نوع برخوردها برآمده از رفتارهای غلط قبلی و راهبردهای اشتباه باشد؟ گفت: «همیشه پلیس قربانی این تصمیمات اشتباه است. تصمیم اشتباه را دستگاه دیگری می‌گیرد، کتک‌ش را پلیس باید بخورد. اما اون آقا و خانومی که تصمیمات اشتباه را می‌گیرند، هیچ وقت پاسخگویی اشتباهات خود نیستند. گشت ارشاد اشتباه است، من خودم دختر جوان دارم، نمی‌توانم تصور کنم که کسی به او تعدی کند و به زور درون سوارش کند. ولی وقتی دستگاه‌های مسوول تصمیمی را می‌گیرند، پلیس چاره‌ای جز اجرا ندارد.» برخی دیگر نیز بودند که با کوبیدن باتوم بر کاپوت خودروها، کوبیدن باتوم بر شیشه‌های بغل و جلوی خودروها و لگد زدن به در خودروها رانندگان و سرنشینان خودروها را تهدید می‌کردند و با الفاظ زشت و ناشایست از آنها می‌خواستند بوق زدن را متوقف کنند. در پایان یک روز دشوار در جمع مردم و ماموران انتظامی به نظر می‌رسد، امروز بیش از هر زمانی به یکی شدن روایت‌ها و درک مشترک برای افزایش اعتماد عمومی نیازمندیم، هم مردمی که در خیابان‌ها فریاد اعتراض و تغییر سر می‌دهند و هم ماموران نیروی انتظامی که تلاش می‌کنند از قانون و نظم و هنجارها حفاظت کنند، معتقدند که ایرادات فراوانی در برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و دستورالعمل‌ها وجود دارد که باعث بروز تکانه‌های اعتراضی فراوانی در فضای عمومی شهر می‌شود. قوانین

و رویکردهایی که هر چه سریع‌تر باید زمینه اصلاح آنها را فراهم کرد تا دیگر شاهد تکرار فاجعه رخ داده برای مهسا و سایر جوانان ایران از يك سو و فشار زیاد بر نیروی انتظامی و سایر نهادهای نظارتی میدانی نشویم... .

م: ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰ ۲ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۱۴۰۱ ۰۰۰۰۰۰۰۰